

استفاده از استثنائات عمومی به منظور حمایت از حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت

آریاعسکری*

ارتباط میان تجارت و حقوق بشر در سال‌های اخیر در کانون توجه بسیاری از محافل تجاری و حقوق بشری قرار گرفته است. در حالی که تجارت آزاد می‌تواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، با این حال ممکن است در برخی موارد تهدیدی علیه حقوق بشر نیز محسوب گردد. با وجود این، راه کارهایی وجود دارند تا بتوان رشد و توسعه اقتصادی را در جهت حفظ کرامت انسانی هدایت نمود. یکی از این راه کارها می‌تواند استناد به شرایط استثنائات عمومی مندرج در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت به عنوان ابزاری برای حمایت از حقوق بشر باشد. در این مقاله یکی از راه کارهای بهبود روابط و ایجاد هماهنگی بیشتر میان ضوابط و اصول حقوق بشر و تجارت آزاد یعنی استفاده از استثنائات عمومی مقرر در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چکیده

واژگان کلیدی

تجارت جهانی، حقوق بشر، سازمان جهانی تجارت، استثنائات عمومی، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، حقوق معاهدات.

طبقه‌بندی JEL: F18, K33, K32

(۱) مقدمه

در مقاله حاضر سعی بر آن است که به بررسی امکان استناد به شرایط استثنائی عمومی مندرج در موافقتنامه‌های تجاری به عنوان وسیله‌ای برای تضمین پایبندی اعضای سازمان جهانی تجارت به تعهداتشان بر مبنای حقوق بین‌الملل بشر پرداخته شود.

این موضوع بخشی از فعالیت‌های جاری دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از مطالعات بین‌المللی در حوزه ارتباط تجارت و حقوق بشر را به خود اختصاص داده است و یکی از دلایل اصلی توجه به این بحث در این است که اهداف نظام چندجانبه تجاری و حقوق بشر در برخی موارد کاملاً متفاوت از یکدیگر به نظر می‌رسند. حقوق بشر عمدتاً در پی تحقق مساوات و برابری حقیقی و ریشه‌کن نمودن بنیان‌های منجر به اعمال تبعیض می‌باشد، در حالی که حقوق تجارت جهانی عمدتاً به دنبال کاهش حمایتگرایی‌های تجاری داخلی و ارتقاء و بهبود شرایط رقابت بین‌المللی است. این دو هدف موسع لزوماً ناقض یکدیگر نیستند، هر چند که در بسیاری از مطالعاتی که در زمینه ارتباط میان تجارت و حقوق بشر صورت گرفته به وجود تعارضات در برخی زمینه‌های مشترک از جمله کشاورزی و حقوق مالکیت فکری اشاره شده است.

در بخشی از توصیه‌نامه‌های کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد که در قالب مطالعه‌ای تحلیلی تهیه شده است (High Commissioner for Human Rights, 2004)، عنوان گردیده که از آنجایی که قوانین تجاری در بسیاری از بخش‌های قانونگذاری‌های دولتی توسعه یافته‌اند و با توجه به جهانی شدن قوانین تجاری می‌بایست طریقی را برگزید که موازین حقوق بشر در خصوص کاهش مبانی تبعیض و برقراری مساوات بتوانند در کنار اصول و قوانین تجاری مورد حمایت واقع شوند. در این مطالعه تحلیلی همچنین کمیسر عالی اشاره‌ای به نقش شرط‌های استثنائی عمومی مندرج در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت به عنوان سازوکاری برای تطابق اهداف نظام چندجانبه تجاری و حقوق بشر داشته است. آثار قوانین تجاری بر حقوق بشر صرفاً محدود به مسئله اعمال تبعیض نمی‌شود، بلکه به بسیاری از قوانین و خط‌مشی‌های تجاری مرتبط است (Ibid., para. 51). برای مثال، کمیسر عالی در مطالعه مذکور ابعاد مختلف حقوق بشری برخی ضوابط تجاری در خصوص مالکیت فکری، کشاورزی تجاری، تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری را مورد اشاره قرار داده است. در حالی که تجارت آزاد از این پتانسیل برخوردار است که موجبات ارتقاء و بهبود وضعیت حقوق بشر را فراهم آورد، هدف از مقاله حاضر و اصولاً سایر مطالعات صورت گرفته مذکور در این خصوص عبارت از بررسی تعارضات موجود میان نظام تجارت آزاد و حقوق بشر و راه‌کارهای اجتناب از آنها می‌باشد.

شرط‌های استثنائی عمومی سازوکاری را برای مطرح نمودن مباحث حقوق بشری در سازمان جهانی تجارت ایجاد نموده‌اند. از اینرو، آنها می‌توانند وسیله‌ای برای تضمین توجه لازم نسبت به

ضوابط حقوق بین‌الملل بشری در حین تفسیر و اجرای ضوابط و قوانین تجاری سازمان جهانی تجارت محسوب گردند.

در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و همچنین سایر موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، ارجاع مستقیمی به حقوق بشر صورت نگرفته است. از اینرو، پرسش‌های زیادی در خصوص امکان استناد به حقوق بشر در مراجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت^۱ و امکان تفسیر موافقتنامه‌ها از دیدگاه حقوق بشر مطرح می‌شود که در این مقاله سعی شده است پس از ارائه تفسیر مختصری از استثنائات عمومی، با توجه به مفاد کنوانسیون وین در زمینه حقوق معاهدات^۲ (www.worldtradelaw.net/misc/viennaconvention) با توجه به اسناد و رویه‌های موجود مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و برخی مراجع منطقه‌ای و بین‌المللی به بررسی ابعاد حقوقی این مسئله پرداخته شود. البته مطالب عنوان شده الزاماً به این معنی نمی‌باشند که استناد به شرط‌های استثنائی عمومی تنها راه‌کار ایجاد تطابق میان قوانین تجارت آزاد و موازین حقوق بشر هستند، بلکه می‌بایست تلاش‌های فراوانی در راستای تفسیر و اجرای قواعد اصلی موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، در سایه قواعد و ضوابط حقوق بشر و استفاده از مقررات سازمان جهانی تجارت که دارای پتانسیل‌های حقوق بشری می‌باشند، صورت گیرد و استناد به این شرط‌ها به عنوان یکی از این راه‌کارها در مقاله حاضر مد نظر قرار گرفته است.

۲) جایگاه استثنائات عمومی در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت

وجود استثنائات عمومی موجب شده که منافع و تعهدات ویژه و مهم دولت‌ها که از برخی جهات با موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مطابقت ندارند قابلیت طرح و رسیدگی داشته باشند و از طریق آن‌ها دولت‌ها بتوانند اقداماتی را جهت تحقق اهدافی که در فهرست (استثنائات) قرار دارند انجام دهند؛ حتی تحت شرایطی که اقدامات مربوطه به گونه‌ای با تعهدات مرتبط با تجارت جهانی در تضاد باشند. رکن استیناف^۳ سازمان جهانی تجارت نیز همچنین این مسئله را تصدیق نموده است. با این حال، نباید چنین برداشت شود که وجود این شرط‌های استثنائی، دولت‌ها را مجاز می‌کند تا هر تصمیم داخلی را که می‌خواهند اتخاذ نمایند در شرایطی که حتی اگر این امر مرتبط با مسائل مربوط به رفاه عمومی شهروندان آنها باشد. چنین برداشتی می‌تواند کلیت نظام سازمان جهانی تجارت را بلااثر سازد؛ چرا که موجب می‌شود دولت‌ها از این شرط‌ها به اراده خود و به منظور شانه خالی کردن از بار کلیه تعهداتی که نظام سازمان جهانی تجارت بر دوش آنان قرار داده است بهره‌برداری نمایند

۱- برای مطالعه بیشتر در خصوص مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، ر.ک. به: کدخدایی، عباس، "نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی"، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۱، ۱۳۸۲.
2-Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.
3- Appellate Body.

(Salaman, 2001:70). بنابراین، ضرورت دارد که هر کدام از این شرط‌ها جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرند تا مشخص شود که چگونه می‌توان از آنها در راستای تحقق مقاصد حقوق بشری استفاده نمود. به طور کلی، در سه سند از اسناد سازمان جهانی تجارت استثنائات عمومی مندرج شده‌اند که عبارتند از:

- ۱- موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، ماده ۲۰: استثنائات عمومی؛
 "با توجه به این الزام که چنین اقداماتی نباید بدان گونه اجرا شوند که متضمن ابزاری برای تبعیض خودسرانه یا غیر قابل توجیه میان کشورها در شرایط یکسان، یا محدودیتی پنهان بر تجارت بین‌المللی باشند، هیچ چیز در این موافقتنامه آن گونه تفسیر نخواهد شد که مانع اتخاذ یا اجرای اقدامات زیر توسط هر یک از طرف‌های متعاقد گردد:
 الف) اقدامات ضروری برای حفاظت اخلاق عمومی؛
 ب) اقدامات ضروری برای حفظ حیات یا سلامت انسان، حیوان و گیاه؛"^۲
 - ۲- موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (گاتس)، ماده ۱۴: استثنائات عمومی؛
 "..... هیچ چیز در موافقتنامه حاضر به گونه‌ای تفسیر نخواهد شد که مانع هیچ عضوی از اتخاذ یا اجرای اقداماتی گردد که:
 الف) برای دفاع از اخلاق عمومی یا حفظ نظم عمومی لازم است؛
 ب) برای حفظ حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه لازم است؛"^۳
 - ۳- موافقتنامه تدارکات (خرید دولتی (جی. پی. ای.))، ماده ۲۳: استثنائات موافقتنامه.^۴
 "..... هیچ چیز در این موافقتنامه نباید به گونه‌ای تفسیر شود که هر یک از طرف‌ها را از اعمال یا اجرای اقداماتی که برای حفاظت از اخلاق، نظم یا ایمنی عمومی، حیات یا سلامت انسان، حیوان و گیاه ضروری می‌باشند باز دارد."^۵
- همچنین در موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) شرطی گنجانده شده است که از لحاظ ماهوی شباهت زیادی به استثنائات عمومی دارد و در خصوص واگذاری

۱- در موافقتنامه خرید دولتی و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، تحت عنوان "استثنائات عمومی" از این شروط یاد نشده، لیکن به استثنائاتی اشاره شده است.

۲- ر.ک. به:

http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/06-gatt.pdf

۳- ر.ک. به:

http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/26-gats.pdf

۴- ر.ک. به:

http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gpr-94_e.pdf

۵- برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: اسناد سازمان تجارت جهانی و طارم سری، مسعود، فاضل، ماندانا، اشرف زاده، حمید رضا، مستقیمی، بهرام، (۱۳۸۵) اسناد حقوقی سازمان تجارت جهانی: نتایج مذاکرات تجاری چند جانبه دور اروگوئه، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

پنتت‌ها می‌باشد.^۱

سایر موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل چنین شرط‌هایی نمی‌باشند.^۲ لیکن، در خصوص موضوعات مرتبط با موافقتنامه‌های فهرست شده در ضمیمه الف موافقتنامه تأسیس سازمان جهانی تجارت^۳، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت به صورت بالقوه قابل اعمال است. از طرف دیگر، موافقتنامه موانع فنی فراراه تجارت^۴ رویکرد متفاوتی اتخاذ شده است و به جای پرداختن به موضوعات حقوق بشری نظیر حمایت از حیات و سلامت انسان، به عنوان استثنائات عمومی، این موضوعات را در فرایند ارزیابی تطابق اقدام مورد نظر با قواعد تجارت ادغام نموده است.^۵

بعضی از این استثنائات عمومی عمدتاً با حقوق بشر هیچ ارتباطی ندارند و در عوض برخی از آنها در ارتباط کامل با حقوق بشر قرار دارند و از اینرو، ضرورتی ندارد که تمام مفاد آنها را با جزئیات بررسی نماییم.^۶ در حالی که، سه مورد از این استثنائات عمومی برای گستره وسیع‌تر از موضوعات حقوق بشر می‌توانند به کار گرفته شوند، لیکن دو مورد از این استثنائات به اشکال مختلف در هر چهار موافقتنامه فوق‌الذکر به چشم می‌خورند.

۱- در بند ۲ ماده ۲۷ موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری مقرر شده است: "اعضاء می‌توانند از اختراعات قابل ثبت اختراعاتی را مستثنی سازند که ممانعت از استفاده تجاری از آنها در قلمروشان برای حفظ نظم عمومی یا اخلاق، از جمله حفظ حیات یا بهداشت انسان، حیوان یا گیاه برای اجتناب از لطمه جدی به محیط زیست ضرورت دارد، مشروط بر این که چنین استثنائی صرفاً به این خاطر نباشد که قانونشان چنین استفاده‌ای را منع کرده است.

۲- ماده ۳ موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت می‌گوید: "تمامی استثنائات تحت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ تا جایی که امکان دارد می‌بایست در خصوص مقررات این موافقتنامه اجرا گردد"^۷ و همچنین در مورد ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می‌بایست به همین صورت رفتار شود.

۳- ضمیمه ۱ الف) موافقتنامه‌های چند جانبه مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴- موافقتنامه کشاورزی - موافقتنامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی - موافقتنامه منسوجات و پوشاک - موافقتنامه موانع فنی فراراه تجارت - موافقتنامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت - موافقتنامه اجرای ماده ۶ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت - موافقتنامه اجرای ماده ۷ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت - موافقتنامه بازرسی قبل از حمل - موافقتنامه قواعد مبداء - موافقتنامه رویه‌های صدور مجوز ورود - موافقتنامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی - موافقتنامه حفاظت‌ها.

4- Agreement on Technical Barriers to Trade (TBT), 1994.

- برای مطالعه بیشتر ر. ک. به:

http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/17-tbt.pdf

۵- از اینرو، بر اساس بند دو ماده ۲ موافقتنامه موانع فنی فراراه تجارت، اعضای سازمان جهانی تجارت وظیفه دارند تا تضمین نمایند^۸ که مقررات فنی به منظور ایجاد موانع غیر لازم فراراه تجارت بین المللی یا با چنین اثری، تهیه، تصویب و اجرا نشوند. بدین منظور، مقررات فنی نباید از لحاظ تجاری محدودیتی بیش از آنچه برای تحقق هدفی مشروع لازم است ایجاد کنند....^۹ در موافقتنامه فهرست غیر جامعی ارائه شده است از "هدف‌های مشروع" نظیر حمایت از حیات یا سلامت انسان، طبیعت نامحدود اهداف مشروع اقدامات قانونی می‌تواند موجب به وجود آمدن انعطافی برای حمایت از اقدامات حقوق بشری باشد، نه استثنائی بر مقررات تجاری، لیکن ترجیحاً در درون چنین مقرراتی تحت عنوان "اهداف مشروع".

۶- برای مثال ماده ۲۳ موافقتنامه خرید دولتی اشاره دارد به کالاها یا خدمات افراد معلول (که مرتبط می‌شود به ممنوعیت تبعیض تحت حقوق بشر و همچنین به مذاکرات کمیته ویژه مجمع عمومی در مورد یک کنوانسیون تمام و کمال برای حمایت و ارتقاء حقوق و کرامت افراد معلول)؛ از نهاد های خیریه؛ و از کار کودک (که مرتبط است با ممنوعیت کار اجباری، ماده ۸ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی). همچنین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت اشاره دارد به اقدامات مربوط به کالاهایی که حاصل کار زندانیان می‌باشند. بند ج ماده ۱۴ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات همچنین اشاره دارد به حمایت از خلوت اشخاص در رابطه با پردازش و انتشار اطلاعات شخصی و حفظ جنبه محرمانه پایگانی‌ها و حساب های افراد (که در ارتباط با ممنوعیت مداخله خود سرانه و غیر قانونی در خلوت اشخاص است که در ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است).

اولی، استثنایی است که به موجب آن به دولت‌ها اجازه داده شده تا اقداماتی را به منظور حمایت از اخلاق عمومی^۱ به عمل آورند.^۲ دومی، استثنایی است که انجام اقداماتی به منظور حمایت از حیات و سلامتی انسان، حیوان و گیاه را مجاز می‌شمرد و سومی اجازه می‌دهد که اقداماتی برای حمایت از نظم عمومی^۳ صورت گیرد که این استثناء در "موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری" (تریپس)^۴ و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات و موافقتنامه خرید دولتی^۵ قید شده است. لیکن از قلم افتادگی آن در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت نمی‌بایست معنی‌دار و با اهمیت قلمداد گردد؛ چرا که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت در سال ۱۹۴۷ به توافق رسید، در حالی که سایر موافقتنامه‌ها همگی طی مذاکرات تجاری دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ مورد توافق قرار گرفتند و با وجود این که در عمل تمامی جوانب موافقتنامه طی مذاکرات دور اروگوئه مورد بازنگری قرار گرفتند، در خصوص ماده ۲۰ مذاکرات جدی صورت نگرفت (Marceau, 2002: 800).

کنوانسیون وین (۱۹۶۹) در زمینه حقوق معاهدات یک روش شناسی (متدولوژی) تفسیر معتبر ایجاد نموده است که می‌تواند برای بررسی امکان استفاده از این شرط‌ها برای مقاصد حقوق بشری مورد استفاده قرار گیرد. چنین رویکردی نسبت به تفسیر بر اساس بند ۲ ماده ۳ تفاهنامه مربوط به قواعد و آیین حاکم بر حل اختلاف سازمان جهانی تجارت^۶ اتخاذ شده و مقرر نموده است که موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌بایست با توجه به "قواعد عرفی تفسیر" مورد تفسیر قرار گیرند.

کنوانسیون وین در بند ۱ ماده ۳۱ تصریح نموده است که "هر معاهده باید با حسن نیت و بر اساس معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آنها داده می‌شود، و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر گردد". نظر به این که این شرط‌ها استثنایی بر مقررات عمومی معاهده محسوب می‌شوند، "موضوع و هدف" خود معاهده احتمالاً این بوده است که در تفسیر از آنها استفاده محدود گردد. در ادامه ماده ۳۱ آمده است:

"سیاق معاهده"^۷ به منظور تفسیر می‌بایست مقدمه و ضمیمه معاهده را دربرگیرد. به علاوه، هرگونه رویه و اقدام بعدی دولت‌ها در خصوص اجرای معاهده که نشان دهنده توافق طرفین در

1 - Public Morals

۲ - در ماده ۲۷ موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به جای واژه "Public Morals" از عبارت "Morality" استفاده شده است.

3- Public Order

۴ - برای مطالعه بیشتر ر.ک. به:

-http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/27-trips.pdf.

5- Agreement on Government Procurement (GPA), Marrakesh, 15 April 1994.

- برای مطالعه بیشتر ر.ک. به:

http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/gpr-94_e.pdf.

6- WTO Dispute Settlement Understanding (DSU).

7- Context.

خصوص تفسیر آن باشد، می‌بایست مورد نظر واقع گردد. بنابراین، رویه قضایی سازمان جهانی تجارت می‌تواند ابزار تفسیری مهمی به حساب آید.

بر اساس بند ۳ (ج) ماده ۳۱ "هر قاعده مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط میان طرف‌های معاهده قابل اجرا باشد" می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. و در نهایت ماده ۳۲ رجوع به منابع تکمیلی تفسیر را مجاز شمرده است که شامل کارهای مقدماتی معاهده می‌باشد؛ در جایی که با شیوه تفسیر معاهده بر اساس ماده ۳۱ معانی کلمات مبهم و دوپهلوی باقی مانده باشند و یا این که به نتیجه‌ای منجر گردد که آشکارا غیر موجه و نامعقول باشد.

در نتیجه، در تفسیر استثنائات عمومی که می‌تواند با حقوق بشر در ارتباط باشد، شیوه‌های اصلی تفسیر عبارت خواهند بود از:

- ارزیابی معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده داده می‌شود؛
- سیاق معاهده که شامل مقدمه معاهدات و رویه قضایی سازمان جهانی تجارت می‌باشد؛
- هر قاعده قابل اجرای حقوق بین‌الملل میان طرفین؛
- اگر همچنین ضرورتی وجود داشته باشد، روش‌های مکمل تفسیر که شامل کارهای مقدماتی معاهدات می‌باشد.

۳) ارزیابی معنای عادی و متداول اصطلاحات معاهده

تا جایی که به معنای اصطلاحات مربوط می‌شود، در یک فرهنگ انگلیسی (Hunter & Morris) "اخلاق" بدین‌گونه توصیف می‌شود: "اشاره دارد به تفاوت میان رفتار درست و غلط". فرهنگ لغت بین‌المللی جدید ویستر "اخلاق" را این‌گونه توصیف نموده است: "مطابقت با معیار چیزی که خوب و صحیح است.. (Webster, 1951). پس ما با توصیف موسعی مواجه هستیم. لیکن، خارج نمودن ضوابط و قوانین حقوق بین‌المللی بشر بر اساس معانی متداول و عادی اصطلاحات به نظر می‌رسد که قابل قبول باشد؛ چرا که "در دنیای امروز معنای اصلی اخلاق عمومی از موضوعات حفظ کرامت و ارزش انسانی که در حقوق بنیادین انعکاس یافته است غیر قابل تفکیک می‌باشد. یک برداشت از اخلاق عمومی یا اخلاقیات که مضامین حقوق بنیادین از آن خارج مانده باشند، آشکارا با معانی متداول و امروزی این مفاهیم در تضاد است" (Howse, 2003: 1368).

عبارت "حیات یا سلامت انسان" مطابق با معنای متداول و معمول آن، دارای معنای بسیار وسیعی است و از پتانسیل قابل توجهی برای شمول بسیاری از حقوق بشر برخوردار است و مسلماً

حق حیات^۱ و حق سلامتی^۲ را در بر می‌گیرد. لیکن بسیاری از حقوق دیگر وجود دارند که می‌بایست مشمول واقع شوند. به ویژه در خصوص حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد: "هر کس حق دارد که سطح زندگانی، سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، نقص اعضاء، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به عللی خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاشش از دست رفته باشد، از شرایط آب و مندانانه زندگانی برخوردار شود." در نتیجه، اگر از نمای حقوق بشر به مفهوم "حیات و یا سلامتی انسان" نگاه کنیم در می‌یابیم که این مفاهیم با گستره وسیعی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با رفاه انسان‌ها در ارتباط می‌باشند.

نهایتاً، معنای عادی و متداول اصطلاح "نظم عمومی" همچنین بسیار وسیع می‌باشد که کمک زیادی به درک ما از چگونگی تفسیر این واژه نمی‌کند. این موضوع خیلی تعجب آور نیست و همچنان راهی برای تفسیر وجود دارد؛ چرا که مبانی قانونی این اصطلاح بسیار خاص می‌باشند (در ادامه توضیح داده خواهد شد)، و این موضوع می‌بایست در سیاق عبارت که در آن، این واژه می‌بایست تعریف گردد، مشخص شود.

۴) سیاق معاهده؛ شامل مقدمه معاهده و رویه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

مشکل عمده در این گونه تجزیه و تحلیل‌ها در اینجاست که رویه مستقیم زیادی در این خصوص وجود ندارد و ارجاع به حقوق بشر به طور عمومی در رویه شبه قضایی مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بسیار به ندرت صورت گرفته است (UNHCHR, 2005) و به ندرت به خود استثنائات عمومی مرتبط می‌باشد. علاوه بر این، تنها در یک مورد به بررسی اصطلاح "اخلاق عمومی" یا "نظم عمومی" پرداخته شده است که با ماده ۱۴ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات مرتبط است (WT/DS285/R, 2004) و هیچ رویه‌ای در ارتباط با بند (الف) ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت سال ۱۹۹۴ موجود نمی‌باشد.

در قضیه قمار و شرط‌بندی - ایالات متحده آمریکا، هیأت حل اختلاف بیان نمود که عبارت "اخلاق عمومی" به معنی "معیار رفتار صحیح و غلط که از طرف جامعه یا ملتی تعیین شده است می‌باشد"، در حالی که نظم عمومی اشاره دارد به "حراست از منافع بنیادین یک جامعه که در قوانین و سیاست عمومی انعکاس یافته‌اند. این منافع بنیادین می‌توانند به خصوص با استانداردهای قانونی،

۱- ر.ک. به: اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳.

www.interactioncouncil.org/udhr/declaration/udhr.pdf.

۲- ر.ک. به: میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۲
www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/.../FILE/G0140965.pdf.

امنیتی و اخلاقیات مرتبط باشند.^۱ علاوه بر این، هیأت حل اختلاف خاطر نشان نمود که "اخلاق عمومی" و "نظم عمومی" دو مفهوم متفاوت می باشند، لیکن از آنجایی که هر دو آنها در صدد حفظ ارزش های کمابیش مشابهی می باشند، برخی تعارضات ممکن است به وجود بیاید. با وجود این، از هیأت حل اختلاف درخواستی مبنی بر بررسی ابعاد حقوق بشری قضیه مطرح نشد. همچنین جا دارد در اینجا به نظر هیأت حل اختلاف اشاره نمود مبنی بر این که اصطلاحات "اخلاق عمومی" و "نظم عمومی" می تواند در دوره های زمانی و مکان های مختلف و بسته به وجود معیارهای ارزشی مختلف دستخوش تغییراتی قرار گیرند و بایستی برای اعضای سازمان جهانی تجارت در خصوص توصیف و اعمال این مفاهیم برای خودشان و در قلمروشان مطابق با نظام ها و معیارهای ارزشی آنها تا حدودی آزادی عمل قائل شد.^۱ بررسی این تصمیم توسط رکن استیناف نشان دهنده تأیید تفاسیر هیأت حل اختلاف می باشد (WT/DS285/AB/R, 2005).

در ارتباط با حمایت از حیات یا سلامت انسان، حیوان یا گیاه قضایای بیشتری با تمرکز بر ماده ۲۰ (ب) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت مطرح شده است که البته هیچ یک از این موارد در بردارنده تفسیری از این استثنائات برای شمول قواعد حقوق بشری نمی باشد، لیکن در رویه قضایی تا حدودی امکان تفسیر این شرایط در جهت مقاصد حقوق بشری نمایان شده است.

قضیه ای در ارتباط با ممنوعیت واردات سیگارهای تولید خارج به درون تایلند وجود داشته که به شرح ذیل است. هیأت حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اعلام نمود که ممنوعیت ورود سیگارها بر اساس ماده ۲۰ (ب) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت قابل توجیه نمی باشد؛ چرا که با انجام چنین اقدامی نمی توان ثابت نمود که واقعاً میزان مصرف سیگار در کشور کاهش یافته است و در ضمن طرق دیگری برای تحقق این هدف سیاسی موجود بوده است. با وجود این، هیأت حل اختلاف اشاره نمود "که این مقرر آشکارا به طرفین قرارداد اجازه می دهد که برای حفظ سلامتی انسان نسبت به آزادی تجارت، اولویت قائل شوند" تا جایی که انجام این اقدام به منظور دستیابی به چنین هدفی ضرورت داشته باشد. هیأت حل اختلاف عنوان کرد که ممنوعیت تبلیغات برای سیگارها به طور عمومی با توجه به مبانی سلامت عمومی قابل توجیه بوده و می توانسته بر اساس

۱- ر.ک. به:

- United States- Gambling and Betting Services, Report of the Panel paras, 6.456-6.468 and 6.461

در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۰۳، کشورهای آنتیگوا و باربادا (جزایری در دریای کارائیب) اعتراضاتی را علیه اقدامات ایالات متحده آمریکا مطرح نمودند مبنی بر این که حمایت داخلی آمریکا در زمینه تامین خدمات مربوط به بخش قمار و شرط بندی موجب تأثیرات منفی بر تأمین خدمات در زمینه قمار و شرط بندی از سایر کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت می شود که این کشورها ادعا نموده بودند که این اقدامات با تعهدات ایالات متحده آمریکا تحت موافقتنامه عمومی تجارت خدمات در تعارض قرار دارد و در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳ از مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت درخواست تشکیل هیأتی برای رسیدگی به این موضوع را نمودند و نهایتاً پس از درخواست ثانوی معترضین هیأت حل اختلاف در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۳ رسیدگی به این پرونده را آغاز نمود و برخی کشورهای ثالث نظیر مکزیک نیز خواستار تضمین حقوق خود گردیدند. برای مطالعه بیشتر در خصوص این پرونده، ر.ک:

- http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds285_e.htm

ماده ۲۰ (ب) قابل قبول باشد (DS10/R – 37S/200, 1990, paras. 72-74-78).

آزادی عمل دولت‌های عضو جهت تعیین میزان حمایتی که به نظرشان ضروری می‌رسد در قضیه پنبه‌های نسوز - جامعه اروپا^۱ مورد تأکید قرار گرفت و رکن استیناف سازمان جهانی تجارت عنوان نمود:

"...در این خصوص اختلافی وجود ندارد که اعضای سازمان جهانی تجارت از این حق برخوردارند که میزان و حدود حمایت‌های سلامتی که به نظرشان در موقعیت مشخصی، متناسب می‌رسد را تعیین نمایند." (WT/DS135/AB/R, 2001, para. 168).

این قضایا موجب به وجود آمدن آماره‌ای شده است با این مضمون که دولت‌ها از صلاح‌دید وسیعی برای انجام اقداماتی به منظور حمایت از حیات یا سلامت مردم برخوردارند، البته تا جایی که قادر به ارائه دلیل منطقی برای وجود خطری برای سلامتی افراد و همچنین ضرورت انجام اقدام تجاری مورد نظر باشند.

دیگر رویه‌های قضایی سازمان جهانی تجارت به شکلی عمومی‌تر با شیوه تفسیر شرایط استثنایی عمومی مرتبط می‌باشند. در خصوص سایر شرط‌های ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می‌باشد و نشان می‌دهد که چگونه هیأت حل اختلاف می‌تواند قضایا را بر اساس شرایط مورد نظر تفسیر نماید که به صورت بالقوه با حقوق بشر در ارتباط قرار گیرند.

اولین اصل مهم که رویه قضایی مورد تأیید قرار می‌دهد این است که تنها این دلیل که استثنائات عمومی، استثنایی بر قواعد عمومی موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌باشند، نمی‌تواند به این معنی باشد که آنها را باید به صورت مضیق و محدود تفسیر نمود. رکن استیناف در قضیه هورمون‌ها - جامعه اروپا^۲ می‌گوید: "صرف این که مقرر معاهده‌ای ویژگی "استثناء" داشته باشد به تنهایی

1- EC – Measures affecting asbestos and asbestos-containing products.

در ماه مه سال ۱۹۹۸ کشور کانادا اعتراضات خود را در خصوص اقدامات صورت گرفته توسط دولت فرانسه با جامعه اروپا در میان گذاشت مبنی بر این که قانون مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۹۶ این کشور در خصوص ممنوعیت استفاده از پنبه‌های نسوز و کالاهایی که از این پنبه‌ها در ساختمان استفاده شده است، منتهی به ممنوعیت ورود این نوع کالاها می‌شود کشور کانادا ادعا نمود که این قبیل اقدامات با مواد ۲، ۳ و ۵ موافقتنامه اعمال اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی و ماده ۲ موافقتنامه موانع فنی فراراه تجارت و مواد ۳، ۱۱ و ۱۳ موافقتنامه گات ۱۹۹۴ در تعارض قرار دارد. و نهایتاً متعاقب درخواست ثانی کشور کانادا از مرجع حل اختلاف سازمان تجارت جهانی در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۹۸ هیأت حل اختلافی برای رسیدگی به این پرونده تشکیل گردید و کشور آمریکا نیز به عنوان کشور معترض ثالث خواستار تضمین حقوق خود گردید. برای مطالعه بیشتر در خصوص این دعوی، رک:

http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds135_e.htm.

۲- به منظور مشاهده پرونده‌هایی که مربوط به ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می‌باشند رک:

Christoph T. Feddersen, "Focusing on substantive law in international economic relations: the public morals of GATT's article XX(a) and 'conventional rules of interpretation'", *Minnesota Journal of Globe Trade*, V. 7, N. 1 (1998), p. 76.

3- EC – Measures Concerning meat and meat products (hormones). http://www.wto.org/english/tratop_E/dispu_e/cases_e/ds26_e.htm.

در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶ کشور کانادا اعتراضات خود را نسبت به اقدامات جامعه اروپا به خاطر ممنوعیت ورود گوشت دامی و فرآورده‌های گوشتی دامی هورمونی و مغایرت این اقدام با مقررات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و برخی مقررات تجاری دیگر مطرح نمود. ادعای کشور کانادا اساساً مشابه ادعایی بود که پیش از آن ایالات متحده آمریکا علیه جامعه اروپا مطرح نموده بود و برای رسیدگی به آن قبلاً هیأت حل اختلافی تشکیل گردیده بود (W/DS26). و متعاقب درخواست ثانی کشور کانادا مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت هیأت

موجب نمی‌شود که تفسیر مضیق و یا محدود آن مقرر قابل توجیه باشد، بلکه می‌بایست با توجه به معنای متداول لغات معاهده، در سیاق آنها و با در نظر گرفتن هدف و موضوع معاهده و یا به عبارت دیگر با استفاد از قواعد عادی تفسیر معاهدات به تفسیر آن پرداخت (WT/DS26/AB/R, WT/DS48/AB/R, para. 104). در همان قضیه هیأت حل اختلاف عنوان نمود که اگر معنای یک معاهده دو پهلو باشد، معنای ارجح آن معنی است که "مسئولیت کمتری را متوجه طرف متعهد نماید" یا "محدودیت‌های کمتری را برای طرفین دربر داشته باشد". چنین روش تفسیری موجب ایجاد گستره وسیعتری برای شرط‌های استثنائات عمومی در خصوص معافیت دولت‌ها می‌گردد.

چنین رویکردی به ویژه مربوط به شرط‌های استثنایی می‌باشد؛ چرا که آنها "عمدتاً به صورت عبارات عمومی قید شده‌اند که انعطاف‌های قانونی ضروری که لازم است یک ضابطه برای استفاده در شرایط گوناگون و واقعی داشته باشد، قابل انجام باشد" (Marceau, Op.Cit.: 790).

ثالثاً چنین رویکرد تفسیری قابل انعطافی مورد تأیید یکی از اصولی که از طریق رویه قضایی سر بر آورده است نیز می‌باشد که اصطلاحاً می‌توان آن را "رویکرد تکاملی" نامید. اکثر رویه‌های قضایی مربوطه در خصوص مواردی می‌باشند که به استثنائات عمومی برای مقاصد زیست محیطی متوسل شده‌اند. مشابهت این گونه موارد با موارد حقوق بشری از آن بابت است که در آنها موضوعات اجتماعی مهم که مبنای آنها ارزش‌های غیر اقتصادی می‌باشد در داخل نظام سازمان جهانی تجارت می‌بایست در مقابل مسائل اقتصادی قرار گیرند. یکی از اصول بسیار مهم که توسط رکن استیناف نمایان شد در قضیه ممنوعیت ورود میگوی ایالات متحده (WT/DS58/AB/R, 12 October 1998)^۲ که در آن از رکن استیناف درخواست شده بود که در خصوص معنای عبارت "منابع طبیعی تمام‌شدنی"^۳ که در بند (ز) ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت آمده است بررسی نماید. رکن استیناف رأی خود را اعلام نمود مبنی بر این که این اصطلاح در برگیرنده گونه‌هایی است که در معرض خطر نابودی قرار گرفته‌اند: نظیر لاک‌پشت‌ها. همچنین با اتخاذ یک "رویکرد تکاملی" در زمینه تفسیر عبارات معاهده اعلام نمود: "عبارات معاهده ایستا نمی‌باشند و ضرورت دارد که آنها را با در نظر گرفتن معنای نوین و امروزی‌شان تفسیر نمود" (WT/DS58/AB/R, 12 October 1998, para. 129-130). بنابراین، اعضای سازمان جهانی تجارت می‌توانند به منظور این که به حمایت از گونه‌های در خطر

حل اختلافی را در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۹۶ برای رسیدگی به این پرونده تشکیل داد. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds48_e.htm

1- Evolutionary Approach.

۲- در تاریخ ۸ اکتبر سال ۱۹۹۶ کشورهای هند، مالزی، پاکستان و تایلند اعتراضات خود را نسبت به وضع ممنوعیت ورود میگو و تولیدات حاوی میگو توسط کشور ایالات متحده آمریکا اعلام نمودند و این اقدام را مغایر با مواد ۱، ۱۱ و ۱۳ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت خواندند و همچنین خواستار جبران خسارت شدند. متعاقب درخواست سه کشور مالزی، پاکستان و تایلند از مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مبنی بر رسیدگی به این پرونده، در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۷ هیأت حل اختلافی برای رسیدگی به این قضیه تشکیل گردید. برای مطالعه بیشتر، ر.ک:

- http://www.wto.int/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds58_e.htm.

3- Exhaustible Natural Resources.

اقتاده تحت استثنای بند (ز) ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت پردازند؛ دست به انجام اقداماتی بزنند که از جهات دیگر در تضاد با تعهداتشان بر اساس موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت به حساب می‌آید. در خصوص تعریف گستره بند (ز) ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، رکن استیناف به حقوق بین‌الملل محیط زیست ارجاع نمود که از زمان تصویب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت توسعه یافته بود و برای تعیین معنای "منابع طبیعی تمام شدنی" به مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست متوسل گردید.

رکن استیناف با ذکر شماری از پرونده‌های مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسید که اتخاذ "رویکرد تکاملی" به طور عمومی شیوه مناسبی برای تفسیر معانی اصطلاحات معاهدات می‌باشد. عبارات "اخلاق عمومی"، "حیات یا سلامت انسان" و "نظم عمومی" همچنین می‌بایست با اتخاذ "رویکرد تکاملی" مورد تفسیر قرار گیرند؛ چرا که این شیوه این قابلیت را داراست که رویکردی نوین و امروزی نسبت به قواعد و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر داشته باشد.

نهایتاً، باید اشاره نمود که وجود مدارک و دلایل محدودی در رویه قضایی نمی‌تواند تأییدی بر استفاده از استثنائات عمومی به عنوان سازوکاری برای تحمیل شرایط و اعمال تحریم‌ها بر سایر کشورها برای عدم توجه آنها به معیارهای حقوق بشری به حساب آید. در قضیه میگو/ ماهی، اعمال تحریم‌ها موجه محسوب گشتند، با وجود این که با کمی تردید در خصوص این که آیا لاک‌پشت‌ها (که ذینفع مورد نظر حمایت محیط زیستی بودند) هرگز وارد قلمرو ایالات متحده می‌گردند یا خیر.^۱ بنابراین، این تصمیم به عنوان دلیلی شناخته شده است که محدودیت‌ها بتوانند به صورت قانونی بر کشوری تحمیل گردند؛ حتی در شرایطی که ذینفعان مفروض با کشوری که آنها را اعمال می‌کند، ارتباطی نداشته باشند (برای مثال ممنوعیت کالاهایی که در کشور دیگری تحت شرایط کاری که با حقوق بنیادین کار مطابقت ندارد تولید می‌شوند). با وجود این، با توجه به استدلال رکن استیناف این موضوع کاملاً واضح به نظر می‌رسد (در اینجا و در هر جای دیگر) که اگر شرایط استثنایی برای علیی که در خارج از صلاحیت آن کشور رخ می‌دهند مورد استفاده قرار گیرند. برای مثال، برای واداشتن به اعمال معیارهای کار در کشور دیگر، توجیه آن به مراتب سخت‌تر از موقعیتی است که در آن یک دولت مثلاً به استثنائات عمومی برای حمایت از حقوق شهروندان مردم استناد می‌کند.

۵) هر قاعده قابل اجرای حقوق بین‌الملل میان طرفین

تعهد نسبت به در نظر داشتن "هر قاعده قابل اجرای حقوق بین‌الملل میان طرفین" مورد تأیید

۱- با وجود این، رکن استیناف به وضوح بیان نمود که این تصمیم در خصوص مسئله اعمال برون مرزی بند (ز) ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گرفته نشده است. برای توضیحات بیشتر ر.ک. به: (WT/DS58/AB/R), [shrimp/turtle, Report of the appellate body, para. 133. http://www.worldtradelaw.net/articles/howshrimp.pdf](http://www.worldtradelaw.net/articles/howshrimp.pdf).

رکن استیناف مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت قرار گرفته است و این مرجع در قضیه ایالات متحده امریکا - گزولین، این گونه رأی داد که حقوق سازمان جهانی تجارت نمی تواند بدون توجه به مقررات حقوق بین الملل عمومی^۱ قرائت شود.

موضوع دارای اهمیتی که باید در این جا مورد اشاره قرار گیرد آن است که برای درک موسع از این تعهد، عبارت "میان طرفین" نمی بایست این گونه تفسیر گردد که قواعد حقوق بین الملل تنها زمانی دارای ارتباط می باشند که در مورد تمامی اعضای سازمان جهانی تجارت اعمال شوند. از آنجایی که تقریباً هیچ معاهده بین المللی اعضای یکسانی ندارد، و همچنین با توجه به این که سازمان جهانی تجارت، سازمانی صرفاً بین دولتی است؛ در نتیجه نمی تواند اعضای مشابه اعضای سایر معاهدات بین المللی، که ممکن است سازمان های بین المللی را هم به عضویت بپذیرند، را دارا باشد (Marceau, Op.Cit.: 780). به علاوه، در برخی از مواقع رکن استیناف به بررسی معاهدات بین المللی که از نظر عضویت با سازمان جهانی تجارت متفاوت بوده اند به منظور تفسیر معنای مقررده خاصی در یک موافقتنامه سازمان جهانی تجارت پرداخته است (Ibid.). برای مثال، در قضیه میگو/ لاک پشت که پیش از این به آن اشاره شد، رکن استیناف از کنوانسیون راجع به تجارت بین المللی گونه های حیوانات و گیاهان وحشی که در معرض نابودی هستند^۲ و سایر موافقتنامه های بین المللی مرتبط با محیط زیست که از نظر عضویت با سازمان جهانی تجارت متفاوت بودند، به منظور روشی برای تفسیر عبارت "منابع طبیعی تمام شدنی" استفاده نمود (WT/DS27/Ab/R). بنابراین، می توان به این نتیجه رسید که معاهدات بین المللی حقوق بشر با گستره عضویت وسیع، می توانند به عنوان ابزار معتبری برای تفسیر عبارات "اخلاق عمومی"، "حیات یا سلامت انسان" و "نظم عمومی" به کار گرفته شوند.

۶) استفاده از روش های مکمل تفسیر؛ شامل کارهای مقدماتی معاهده

در این مبحث به بررسی کارهای مقدماتی برای هر یک از اصطلاحات "اخلاق عمومی"، "نظم عمومی" و "حمایت از حیات و سلامت انسان"، و همچنین رویه قضایی مرتبط و تفاسیر سایر محاکم می پردازیم.

۶-۱) اخلاق عمومی

در حقیقت هیچ گونه بحثی درباره معنای بند (الف) ماده ۲۰ در طی مذاکراتی که به منظور انعقاد موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت صورت گرفته است، انجام نشده است (Charnovitz, 2002: 338).

1- United States- Standards for Reformulated and Conventional Gasoline.

2- Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES) 1973.

معقول‌ترین توضیح می‌تواند این باشد که مذاکره‌کنندگان تجاری در همان زمان برداشت مشترکی از مفهوم اصطلاح "اخلاق عمومی" داشته‌اند و این برداشت بر مبنای شرایط مشابهی که مشترکاً در معاهدات تجاری پیشین گنجانده شده بود، شکل گرفته است. این معاهدات می‌توانند "کارهای مقدماتی" برای تفسیر اصطلاح "اخلاق عمومی" و از اینرو، ابزار تفسیری معتبری قلمداد شوند. بر اساس تجزیه و تحلیل معاهدات پیشین و شیوه‌ای که عبارات مرتبط به کار گرفته می‌شده‌اند، در خصوص موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت گفته شده است که: "گستره سیاست‌هایی که تحت پوشش بند (الف) ماده ۲۰ گات قرار دارند (استثنای اخلاق عمومی) ظاهراً حداقل شامل بردگی، تسلیحات، مواد مخدر، مشروبات الکلی، هرزه‌نگاری، کار اجباری و آسایش حیوانات می‌باشند" (Ibid.,: 352).

این مسئله حاکی از آن است که "استثنای اخلاقی" در معاهدات تجاری به لحاظ تاریخی دربرگیرنده شماری از اقدامات گوناگون بر مبنای منطق‌های ارزشی برتر در خصوص موضوعاتی است که از نظر جامعه و افراد به طور همزمان با اهمیت تلقی می‌شده‌اند. برخی از این موضوعات نظیر: منع بردگی یا کار اجباری، از نظر ما موضوعات حقوق بشری محسوب می‌گردند. برای دیگران مواردی نظیر این که برخورد با مشروبات الکلی برای برخی جوامع اهمیت بیشتری دارد تا این که معیارهای اخلاقی خودشان را تعیین نمایند. با توجه به این پیشینه به احتمال زیاد، اصطلاح "اخلاق عمومی" می‌تواند دربرگیرنده حقوق بشر (که در معاهدات بین‌المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و منعکس کننده ارزش‌های بنیادین می‌باشند) در گستره خود باشد.

در تعیین معنا و گستره استثنای اخلاق عمومی همچنین جا دارد که به بررسی نحوه اعمال آن در رویه قضایی سایر محاکم رجوع کنیم. این اصطلاح در شماری از موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای^۱ و همچنین در رویه قضایی اتحادیه اروپا به چشم می‌خورد. موافقتنامه رم در ماده ۲۸ اعمال محدودیت‌های کمی بر تجارت در داخل اتحادیه اروپا را ممنوع اعلام نموده است. لیکن، همانند شرایط استثنای عمومی مقرر در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت، ماده ۳۰ مقرر داشته است که امکان دارد محدودیت‌هایی بر مبنای دلایل مشخص و محدودی بر تجارت اعمال گردد که شامل اخلاق عمومی، نظم عمومی و حمایت از حیات و سلامت انسان‌ها می‌باشند.

دو قضیه مهم وجود داشته است که هر دو آنها در خصوص هرزه‌نگاری^۲ بوده که موجب شده است اعمال مقررات نظم عمومی قابل توجیه گردند. در قضیه هن و دربی (Case 34/79, R. v Henn and Darby, 1979)، خوانندگان به تخلف متقلبانه از ممنوعیت هرزه‌نگاری در داخل بریتانیا محکوم

۱- برای مثال رجوع کنید به ماده ۹ موافقتنامه تجارت آزاد اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا (آ. سه. آن) و ماده ۲۲(۱) موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا).

2 - Rome Convention 1980.

3- Pornography.

شده بودند. دیوان دادگستری اروپا اعلام رأی نمود مبنی بر این که "در اصل هر دولتی می‌تواند مطابق با ارزش‌های خود و به گونه‌ای که خودش انتخاب می‌کند، ملزومات اخلاق عمومی را در درون قلمرواش تعیین نماید".

عبارت "اخلاق عمومی" در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز یافت می‌شود و همچنین در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی عنوان شده است. در هر دو آنها این عبارت در فهرستی از حقوق بشر که آنها را به عنوان دلایل قانونی برای دولت‌ها به منظور محدود نمودن بهره‌مندی از حقوق مورد نظر قلمداد کرده‌اند، گنجانده‌اند. در قضیه هندی‌ساید در مقابل بریتانیا (<http://vlex.com/vid/case-handyside-v-the-united-kingdom-27431027>)،^۱ یک ناشر کتاب که به تخلف هرزه‌نگاری^۲ محکوم گردیده بود شکایتی را بر اساس ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (آزادی بیان) تقدیم دادگاه اروپایی حقوق بشر نمود. دولت انگلستان بر مبنای ضرورت حمایت از اخلاق عمومی دفاعیات خود را عنوان نمود. دادگاه رأی داد که هیچ‌گونه برداشت متحدالشکلی از اخلاقیات در درون دولت‌های طرف قرارداد وجود ندارد و در چنین مواردی تا حدودی به دولت‌ها حق ارزیابی اعطاء شده است؛ چرا که آنها در موقعیت بهتری نسبت به قاضی بین‌المللی برای قضاوت در این مورد، قرار دارند (Charnovitz, Op. Cit.: 337). اگر هیأت‌های حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌خواستند رویکردی مشابه دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر و دیوان دادگستری اروپایی اتخاذ نمایند، تفسیر موسع اخلاق عمومی می‌توانست مناسب باشد؛ چرا که مبنای موثقی برای این امر وجود دارد (Ibid.: 361). با وجود این در قضیه دوزنویل (Case 8/74, Procureur du Roi v Dassonville, 1974) مطروحه در دیوان دادگستری اروپایی محدودیت‌هایی برای استفاده از اخلاق عمومی در مفهوم اروپایی در خصوص اخلاق کشوری در درون خود آن کشور لحاظ شده است که حکایت از آن دارد که در تلاش برای استفاده از مباحث اخلاقی یا حقوق بشری به صورت فرامرزی پیچیدگی‌هایی ممکن است وجود داشته باشد (Charnovitz, Op. Cit.: 358).

۲-۶) نظم عمومی^۳

بر خلاف سایر اصطلاحات سازمان جهانی تجارت که تحت بررسی قرار دادیم، اصطلاح "نظم عمومی" از تاریخچه بسیار ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که در تعریف معنا و تعیین چگونگی استعمال آن می‌تواند بسیار موثر باشد.

مفهوم "نظم عمومی" از اصطلاح فرانسوی آن نشأت گرفته است. در حقوق فرانسه "تخطی از

1- Handyside v United Kingdom. (Application no. 5493/72) JUDGMENT.

2- Obscenity.

3- Public Order.

نظم عمومی "به‌عنوان اساس و پایه‌ای برای ابطال قراردادهای خصوصی و یا معاملاتی که در تضاد با اصول بنیادین حقوق داخلی بوده‌اند، به کار می‌رفته است. نظم عمومی امروزه یک مفهوم کاملاً جاافتاده در بسیاری از قوانین مدنی و در حقوق اتحادیه اروپایی به حساب می‌آید و در بسیاری از معاهدات بین‌المللی درج شده است (Marceau, Op.Cit.,: 788). در این حوزه‌ها، "نظم عمومی" به گونه‌ای تفسیر شده که به ارزش‌های پایه و بنیادین نظام حقوقی داخلی اشاره دارد و در برگیرنده ارزش‌های اخلاقی، اقتصادی و سیاسی است.

با وجود این که اصطلاح نظم عمومی فرانسوی در بسیاری از معاهدات بین‌المللی به چشم می‌خورد، معنای دقیق آن و وسعت اعمال آن در هیچ یک از آنها تعریف نشده است. معاهده رم دربردارنده مقرراتی در خصوص نظم عمومی است که به "سیاست عمومی" ترجمه شده است و حاکی از مفهوم بسیار موسعی می‌باشد. همچنین این اصطلاح در یکی از رهنمودهای اتحادیه اروپا به چشم می‌خورد که به دولت‌ها اجازه تخلف از تعهداتشان را در مورد جابجایی آزادانه کارگران، آزادی تأسیسات و نقل و انتقال آزادانه خدمات داده است (Ibid.). با وجود این، دیوان دادگستری اروپا محدودیت‌هایی را برای تفسیر این عبارت، تحت شرایطی که توسط دولت‌ها به عمل آید وضع نموده است. استثنای "سیاست عمومی" معاهده را (به ویژه در زمانی که صحبت از جابجایی آزادانه اشخاص می‌باشد) به گونه‌ای تفسیر نموده که تنها دربرگیرنده حالتی باشد که "یک تهدید واقعی و کافی برای یکی از منافع بنیادین جامعه وجود داشته باشد" (Case 30/77, R. v Bouchereau, 1977). این نوع تفسیر دقیقاً بازتابی از طرز بیان زیرنویس شماره ۵ بند الف از ماده ۱۴ موافقتنامه عمومی تجارت خدمات سازمان جهانی تجارت می‌باشد که بیان می‌دارد: "تنها زمانی می‌توان به استثنای اخلاق عمومی توسل جست که یک تهدید واقعی و مؤثر علیه یکی از منافع بنیادین جامعه به وجود آمده باشد". در زمان استناد به رویه قضایی دیوان دادگستری اروپایی به عنوان راهنمایی برای تفسیر این زیرنویس می‌بایست به خاطر داشت که قضیه مورد نظر در خصوص حق یک دولت برای اخراج یک شخص یا اشخاص می‌باشد. دولت به حق استفاده از مقررات "نظم عمومی" زمانی توسل می‌جسته است که حقوق یک فرد در معرض خطر قرار داشته باشد. اعمال محدودیت بر حق دولت برای استفاده از این مقررات در این مورد کاملاً قابل توجیه بوده است.

آیا اعمال چنین محدودیتی برای استناد به نظم عمومی، همان‌گونه که مورد تفسیر دیوان دادگستری اروپایی قرار گرفته است و در زیرنویس موافقتنامه تجارت خدمات بازتاب داشته است، موجب محدودیت اعمال آن در خصوص قواعد و معیارهای حقوق بشر می‌باشد؟ اتخاذ یک رویکرد محدودکننده نسبت به استناد به نظم عمومی به نظر معقول می‌رسد؛ چرا که مسلماً تفسیر موسع استثنای نظم/اخلاق عمومی این پتانسیل را دارا می‌باشد که توجیه‌گر انجام گستره وسیعی از اقداماتی

باشد که تهدیدی علیه کل نظام قانونمند تجارت بین‌المللی محسوب می‌گردد (Marceau, Op.Cit.: 803). از طرف دیگر، برای مراجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مشکل خواهد بود که اعلام نمایند یک قاعده حقوق بشری از یک معاهده بین‌المللی حقوق بشر با تعداد اعضای زیاد و در زمانی که دولتی برای حمایت از مردم به آن متوسل گردیده است، یک نفع اساسی برای جامعه محسوب نمی‌گردد، و این که هرگونه تهدیدی علیه این معیارها جدی نبوده است. همان‌گونه که مطرح شده است، "نظم عمومی به خودی خود یک ارزش نمی‌باشد، بلکه یک دکترین است که با وجود آن، ارزش‌های اساسی یک نظام حقوقی نسبت به قوانین خاصی که با آنها در تضاد قرار می‌گیرند، برتری و چربش می‌یابند" (Ibid.).

از آنجایی که حقوق بشر مسلماً جلوه چنین ارزش‌های بنیادینی می‌باشد، اعمال محدودیت بر استثنای نظم عمومی نمی‌بایست موجب عدم استفاده از آن برای مطرح نمودن مباحث حقوق بشری گردد.

۳-۶) حمایت از حیات یا سلامت انسان

از نظر کارهای مقدماتی در خصوص "حمایت از حیات یا سلامت انسان" توافقی در تفسیر این اصطلاح به صورت کاملاً موسع وجود نداشته است. با وجود این، مدارکی موجود می‌باشد دال بر این که مذاکره‌کنندگان در نظر داشته‌اند که در موارد استناد به این عبارت تحت بند (ب) ماده ۲۰ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، از آن به عنوان ابزاری برای اعمال تبعیض علیه کالاهای خارجی بر مبنای "مقررات بهداشتی" استفاده نمایند (Guide to GATT Law and Practice, 1995: 565). لیکن، مدارکی دال بر محدودیت این استثناء به موازین بهداشتی وجود ندارد و استفاده‌های پیشین از عبارات دارای ارتباط مستقیم، در مذاکراتی که برای معاهدات بین‌المللی انجام شده‌اند نشان دهنده در نظر گرفتن معنای وسیعی برای این واژه می‌باشد که می‌تواند دربرگیرنده حمایت از حیات یا سلامت انسان در سایر موقعیت‌ها باشد (Charnovitz, 1991: 41).

با توجه به سایر رویه‌های قضایی مرتبط که پیش از این به آنها اشاره شد، ماده ۳۰ معاهده رم همچنین دربردارنده مقرره‌ای در ارتباط با "حمایت از حیات یا سلامتی انسان" می‌باشد. این رویه نشان می‌دهد که دیوان دادگستری اروپایی ادعاهایی بر این مبنای تحت بررسی موشکافانه‌ای قرار می‌دهد تا اطمینان حاصل نماید که هدف اصلی، حمایت از تولیدکنندگان داخلی نباشد (Craig and Burca, 1998: 597). با وجود این، در جایی که دادگاه تشخیص دهد که ادعای سلامت عمومی به درستی مطرح شده است، ولی در مورد میزان دقیق ضرورت‌های پزشکی ابهاماتی وجود داشته باشد، تصمیم‌گیری در خصوص میزان حمایت مورد نیاز برای شهروندان بر عهده هر

یک از دولت‌های عضو می‌باشد (Ibid.: 602). بنابراین، به نظر می‌رسد که در خصوص استثنای اخلاق عمومی که به آن اشاره شد، دیوان در صورتی که مبانی اصولی و سالمی برای ادعای مطروحه وجود داشته باشد، آزادی عمل قابل توجهی برای دولت مدعی در نظر گرفته است.

۷) نتیجه‌گیری

با توجه به این که تعریف‌های "اخلاق عمومی"، "نظم عمومی" و "حیات یا سلامت انسان" بسیار موسع می‌باشند، و این که همچنان ضرورت تعریف دقیق این عبارات در رویه قضایی سازمان جهانی تجارت وجود دارد و با عنایت به این که مباحث حقوق بشری تاکنون مستقیماً مورد استناد واقع نشده‌اند تا گستره دقیق آنها مشخص گردد، مدرک مستقیم و قطعی‌ای برای کاربرد حقوق بشری این اصطلاحات وجود ندارد. با وجود این، استدلال‌های محکمی وجود دارد در خصوص این که تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در مورد مردمشان می‌تواند تحت لوای استثنائات "اخلاق عمومی"، "نظم عمومی" و "حیات یا سلامت انسان" مطرح شود.

اول این که، بر اساس معنای متداول و معمول اصطلاحات کلیه اصول و قواعد حقوق بشر که در اسناد قانونی بین‌المللی تدوین گردیده‌اند می‌توانند در قلمرو اصطلاح "اخلاق عمومی" قرار گیرند. در عین حال، عبارت "حیات یا سلامت انسان" همچنین می‌تواند دلالت بر برخی از حقوق، به ویژه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر حق بر سلامتی و حق بر برخورداری از سطح مناسب زندگانی داشته باشد.

ثانیاً، در رویه قضایی سازمان جهانی تجارت رویکرد موسع و قابل انعطافی در خصوص تعریف شرایط استثنایی عمومی اتخاذ شده است که به شمول قواعد حقوق بشر به عنوان استثنائات مناسب بر قواعد تجاری کمک قابل توجهی می‌کند. در این راستا "رویکرد تکاملی" که برای تفسیر ضوابط محیط زیستی در قضیه میگو/ ماهی اتخاذ گردید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و می‌تواند پشتیبان دلایل مطروحه در خصوص وضعیت امروزی ضوابط و معیارهای حقوق بشر باشد که در زیر به آنها اشاره شده است:

- موضوعاتی که می‌بایست در زمره موضوعات مربوط به "اخلاق عمومی" قلمداد شوند؛
- ارزش‌هایی که دولت‌های عضو محقق هستند مشمول مفهوم "نظم عمومی" قرار دهند؛
- ضوابط و معیارهایی که موجب استحکام بخشیدن به معنای عناصر ضروری برای حیات یا سلامت انسان می‌گردند.

چنین تفسیر حقوق بشری از استثنائات عمومی چنان‌که اشاره شد توسط رویه قضایی مورد تأیید واقع شده است و به دولت‌ها اختیار اتخاذ تصمیمات لازم در مواقعی که انگیزه‌های حقیقی برای توسل به استثنائات مقرر وجود داشته باشد، داده شده است. همچنین رویکرد اتخاذی رکن حل

اختلاف سازمان جهانی تجارت در رابطه با مباحث مرتبط با حمایت از حیات یا سلامت انسان تحت بند (ب) ماده ۲۰ (EC – Asbestos, para.178, quoting EC – Hormones, para.194) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می‌باشد.

همچنین رویکرد مشابهی نیز می‌توان در مورد مطرح نمودن مباحث حقوق بشری در چارچوب استثنائات عمومی اتخاذ نمود. رویکرد حقوق بشری در واقع موجب خواهد شد که تعریف مشخصی از اصطلاحاتی که در حال حاضر از لحاظ ارتباطی در وضعیت مبهمی قرار دارند، داشته باشیم. این امر همچنین می‌تواند موجب اعتبار بخشیدن به اقدامات انجام گرفته بر اساس ضوابط مورد توافق بین‌المللی گردد، در حالی که از حمایت مخفیانه‌ای که ممکن است در صورت عدم توافق بر سر تعریف موارد استفاده و موارد دلالت اصطلاحات به عمل آید، ممانعت می‌کند (Charnovitz, Op.Cit.,: 373). در مجموع می‌توان گفت که اگر مرجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت بپذیرد که ضوابط و معیارهای شناخته شده بین‌المللی حقوق بشر در حوزه شرایط استثنائات عمومی قرار گیرند، این امر منتهی خواهد شد به:

- قادر ساختن دولت‌ها برای هماهنگی با سایر مسئولیت‌ها و تعهدات حقوقی بین‌المللی‌شان، بدون این که تضادی میان تعهدات آنان بر اساس معاهدات حقوق بشری و تعهداتی که بر گرفته از سازمان جهانی تجارت و نظام تجارت جهانی می‌باشند، به وجود آید.

- تضمین احترام ارگان‌های داخلی (نهادهای مردمی، دادگاه و غیره) به واسطه اتخاذ تصمیمات قانونی برای برقراری تعادل میان تعهدات گوناگون ملی و بین‌المللی.

- از سوی دیگر، منجر به از میان رفتن برخی برداشت‌های منفی نسبت به آزادی تجارت خواهد شد و می‌تواند نشان دهد که تا چه میزان موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت دربردارنده سازوکارهایی می‌باشند که می‌توانند تضمین‌کننده حذف تأثیرات منفی آن بر اقشار آسیب پذیر، فقیر و محروم گردند و می‌توانند موجب گردند که منتقدین نتوانند به سادگی قواعد سازمان جهانی تجارت را به مخالفت و دشمنی با حقوق بشر متهم نمایند.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، به رغم وجود مشکلات فوق‌الذکر، رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر در سازمان جهانی تجارت از لحاظ نظری امکانپذیر است و رویه مراجع حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نیز تأییدی بر این ادعاست.

منابع

الف- فارسی:

طارم سری، مسعود، فاضل، ماندانا، اشرف زاده، حمید رضا، مستقیمی، بهرام (۱۳۸۵) اسناد حقوقی سازمان جهانی تجارت؛ نتایج مذاکرات تجاری چند جانبه دور اروگوئه، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۲) "نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت"، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۱.

ب- لاتین:

Analytical Study of the High Commissioner for Human Rights on the Fundamental Principle of Non-discrimination in the Context of Globalization (E/CN.4/2004/40).

Case 30/77, R v Bouchereau (1977) ECR 1999, (1977) CMLR 800. <http://eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:61977J0030:EN:HTML>

Case 34/79, R v Henn and Darby (1979) ECR 3795, (1980) 1 CMLR. http://west.thomson.com/store/relatedpdfdownload.aspx?file=13369_2005201_21418.pdf

Case 8/74, Procureur du Roi v Dassonville (1974) ECR 837, (1974) 2 CMLR 436. <http://eur-lex.europa.eu/Notice.do?val=40237:cs&lang=en&list=38146:cs,39273:cs,43341:cs,40237:cs,40207:cs,41140:cs,&pos=4&page=1&nbl=6&pgs=10&hwords=8/74-&checktexte=checkbox&visu=#texte>.

Charnovitz, Steve (1991) "Exploring the Environmental Exceptions in GATT article XX", *Journal of World Trade*, V. 25, N. 5., pp. 37-54.

Charnovitz, Steve (2002) "The Moral Exceptions in Trade Policy", *Florida Journal of International Law*, V. 13, N. 3.

Craig, Paul and Grainne De Burca, eds. (1998) *EU Law: Text, Cases and Materials*, 2nd ed. OUP.

EC – Measures Affecting Asbestos and Asbestos-Containing Products, Report of the Appellate Body (WT/DS135/AB/R), 12 March 2001, para.168.

EC – Measures Concerning Meat and Meat Products (hormones), Report of the Appellate Body (WT/DS26/AB/R, WT/DS48/AB/R), 16 January 1998, para. 104.

Pedersen, Christophe T. (1998) "Focusing on Substantive Law in International Economic Relations: The Public Morals of GATT'S Article Xx(A) and 'Conventional Rules of Interpretation'", *Minnesota Journal of Globe Trade*, V. 7, N. 1, pp. 75-122.

Guide to GATT Law and Practice: Analytical Index, Volume 1, Updated 6th ed. (Geneva: WTO and Brenan Press, 1995), p.565, quoting the report of both the Geneva session of the Preparatory Committee and the Havana Conference of the Third Committee as raising this concern.

Howse, Robert (2003) "Back to Court after Shrimp/Turtle? Almost but not quite yet", *American University International Law Review*, V. 18, N. 6, pp.1333-1381.

http://forms.cbp.gov/pdf/CBP_Form_434.pdf.

<http://www.aseansec.org/22260.pdf>.

<http://www.interactioncouncil.org/udhr/declaration/udhr.pdf>.

<http://www.interactioncouncil.org/udhr/declaration/udhr.pdf>.

<http://www.ohchr.org/Documents/Publications/WTOen.pdf>.

http://www.rome-convention.org/instruments/i_conv_orig_en.htm.

[http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/.../\\$FILE/G0140965.pdf](http://www.unhchr.ch/tbs/doc.nsf/0/.../$FILE/G0140965.pdf).

<http://www.worldtradelaw.net/articles/howsheshrimp.pdf>.

<http://www.worldtradelaw.net/misc/viennaconventio.pdf>.

http://www.wto.int/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds4_e.htm.

http://www.wto.int/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds8_e.htm.

http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/17-tbt.pdf.

http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds135_e.htm.

http://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds285_e.htm#top.

Hunter, Robert, and Morris, Charles, **The Universal Dictionary of The English Language**, New York P.F. Collier.

Japan–Taxes on Alcoholic Beverages, Report of the Appellate Body (WT/DS11/AB/R), 4 October 1996.

Marceau, Gabrielle (2002) “WTO dispute settlement and Human Rights”, **European Journal of International Law**, V. 13, N. 4, pp. 753-814.

Salaman, Bal (2001) “International Free Trade Agreements and Human Rights: Reinterpreting article XX of GATT”, **Minnesota Journal of Global Trade**, V. 10, N.1, pp. 62-108.

Thailand – Restrictions on Importation of and Internal Taxes on Cigarettes, Report of the Panel (DS10/R – 37S/200), 7 November 1990, paras.72-74 and 78.

UNHCR (2005) Human Rights and World Trade Agreements: Using General Exceptions Clauses to Protect Human Rights, Office of the UN High Commissioner for Human Rights, New York and Geneva.

United States – Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, Report of the Appellate Body (WT/DS58/AB/R), 12 October 1998.

United States – Import Prohibition of Certain Shrimp and Shrimp Products, Report of the Appellate Body (WT/DS58/AB/R), 12 October 1998. paras.129-130.

United States – Measures Affecting The Cross-Border Supply of Gambling and Betting Services, Report of the panel (WT/DS285/R), 10 November 2004.

Webster, Noah (1951) **Webster's New International Dictionary**, published by John Wiley & Sons.

WTO (1995) Guide to GATT Law and Practice: Analytical Index, Volume 1, Updated 6th ed. Geneva: WTO and Brenan Press.